



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: قبله

یکی از شروح عروه مستمسک العروه تالیف آیت الله سید محسن حکیم می باشد که امروز مقداری از کلام ایشان را می خوانیم.

روایاتی در باب سوم از ابواب قبله داریم که می گویند قبله کسانی که در مسجد الحرام هستند کعبه می باشد و اگر در حرم باشند قبله آنها مسجد الحرام است و اگر در غیر حرم باشند قبله آنها حرم است، خب این مسئله بعید به نظر می آید چون قبله ما فقط خود خانه کعبه می باشد، آیت الله خوئی طبق مبنای خودشان فرمودند این روایات ضعیف هستند و از آنها عبور کردند ولی فقهاء ما مثل شیخ طوسی و شیخ مفید و محقق در شرایع به این روایات عمل کرده بودند و طبق آنها فتوا داده بودند و اما آیت الله حکیم نیز این روایات را توجیه کرده و از آنها جواب داده به این بیان که: «ولکن الجميع كما ترى ، إذ الإجماع لا مجال للاعتماد عليه مع ظهور الخلاف. ولذا قال في المعبر - في الجواب عن احتجاج الشيخ (ره) في الخلاف بإجماع الفرقة - : "أما الإجماع فلم نتحققه لوجود الخلاف من جماعة من أعيان فضلائنا" .

وَأما الأخبار فمع ما هي عليه من الضعف بالإرسال وغيره واختلافها فيما بينها ، بل قيل بعدم القائل بمضمون الأخير منها ، لا تصلح لمعارضة ما سبق ، لكثرة العدد ، وصحة السند ، والاعتضاد بما عرفت ، فلا يبعد حملها على إرادة بيان اتساع جهة المحاذاة للبعيد . كما يشير إليه بعض القائلين بمضمونها. فعن المقنعة : "القبلة هي الكعبة ، ثم المسجد قبله لمن نأى عنها ، لأن التوجه إليه توجه إليها" . أو على إرادة المواجهة من الاستقبال ، فمن كان خارج المسجد إنما يواجه المسجد ، ومن كان خارج مكة إنما يواجه مكة ، ومن كان خارج الحرم إنما يواجه الحرم. ولعل

ترك مكة في الخبرين الأولين لا مكان مواجهة المسجد لمن بعد عن البلد ، لارتفاع جدرانها ، وإلا فالالتزام بظاها من جواز استقبال أي طرف من المسجد وإن لزم الانحراف عن الكعبة كثيراً. وكذا في استقبال طرف الحرم . غريب في مذاق المتشعبة ، ولا يظن من أهل القول المذكور التزامهم به ، وإن كان هو المحكي عن ظاهر جملة من كتبهم. فالبناء على أن الكعبة قبله مطلقاً هو المتعين»^۱.

آیت الله حکیم در ادامه به سراغ همان مسئله خروج خط و محاذات رفته، صاحب عروه فرمود: "ولا يعتبر اتصال الخط من موقف كل متصل بها، بل المحاذاة العرفية كافية" ، عده ای از فقهاء ما فرمودند محاذات یعنی خروج خطوطی از چهره و پیشانی شخص و چون محذب است هر چه جلوتر بروند انفراج بین آنها بیشتر می شود و بالاخره یکی از آنها به خانه کعبه می خورد، آقای حکیم می فرماید بعضی از اساتید ما فرمودند اگر بدن انسان را استوانه ای فرض کنیم پیشانی او یک پنجم بدنش است و چهارم پنجم دیگر قسمتها می باشد که بالاخره خطوطی از آنها خارج می شود، کل خطوطی که از بدن انسان خارج می شوند ۳۶۰ خط می باشد که یک پنجم از آن یعنی ۷۲ خط مربوط به پیشانی است، علت انتخاب عدد ۳۶۰ هم این است که اولاً مقسوم علیه مشترک زیاد دارد و ثانیاً قابل تقسیم به اعداد بیشتری است بدون اینکه کسر بیاورد، خلاصه ایشان می فرماید از آن ۷۲ خط که از چهره انسان خارج می شود بالاخره یکی از آنها به کعبه می خورد و همین کافی است، علی ای حال ایشان بحثهای فراوانی دارد که ما همه آنها را ذکر نمی کنیم.

آقای حکیم بر صاحب جواهر نیز اشکال کرده و فرموده در جائی که انسان برای شناخت قبله متمکن از علم باشد نباید به ظن عمل کند ولی صاحب جواهر فرموده به علم و امارات عمل می کنیم درحالی که امارات مفید ظن هستند و علم همیشه مقدم بر ظن می باشد و فراغ یقینی (از اشتغال یقینی) به این است که با بودن علم راه علم را در پیش بگیریم و به سراغ ظن نرویم.

^۱ مستمسک العروه، سید محسن حکیم، ج ۵، ص ۱۷۷.

اخبار باب ۶ و باب ۸ از ابواب قبله دلالت دارند بر اینکه ائمه علیهم السلام فرمودند شما برای پیدا کردن قبله تخری کنید یعنی آن چیزی که احراء و شایسته تر است أخذ کنید، بعضیها چون معلوماتشان بالاتر است می توانند تخری کنند، از طرفی اخباری داریم که می گویند کسی که نمی داند قبله کدام طرف است به چهار جهت نماز بخواند حالا بین این اخبار و تخری تعارض واقع می شود، آقای حکیم مدعی است که تخری مقدم می باشد و روایات باب ۶ و ۸ بر همین تقدم دلالت دارند و در واقع نماز خواندن به چهار جهت برای موردی است که هیچ راهی برای شناخت قبله وجود نداشته باشد درحالی که تخری خودش راهی برای پیدا کردن قبله می باشد.

آقای حکیم در ادامه می فرماید سید بن طاوس فرموده برای پیدا کردن قبله آخر الامر به قرعه نیز می توان رجوع کرد ولی خب این حرف درست نیست زیرا قرعه مربوط به شبهات موضوعیه است نه شبهات حکمیه و هیچوقت ما در شبهات حکمیه به قرعه رجوع نمی کنیم بلکه به قواعد عمل می کنیم و در کفایه نیز مفصل در مورد قرعه خوانده ایم.

آقای حکیم بالاخره به سراغ ستاره جدی آمده و مفصل در این رابطه بحث کرده و از جواهر نیز مطالبی را نقل کرده، آقای خوئی فرمود روایات مربوط به جدی کلهها ضعیفة و از بحث عبور کرد ولی صاحب جواهر در جلد ۷ صفحه ۳۶۶ از طبع ۴۳ جلدی توجیحات مختلفی را برای جدی ذکر کرده و بعد فرموده این توجیحات را علامه بحرالعلوم به صورت شعر درآورده:

و يعرف البعيد سمت القبلة/من العلامات التي سيقت له
الجدی منها و هو أجلي آية/حسا و بالآية و الرواية
فاجعله خلف المنكب الأيمن في/أواسط العراق مثل النجف
و كربلاء و سائر المشاهد/و ما يدانيها و لم يباعد
و اجعله في شرقية كالبصرة/في الاذن اليمنی ففيه النصرة
و بين كتفك برأى أعدل/في الجانب الغربي نحو الموصل
وضعه في الشام على الأيسر من/كتفك لا المنكب في رأي
زكن
و بين عينيك بأطراف عدن/و الأذن اليمنی لصنعاء اليمن

و الأذن اليسرى لأصل المغرب/و أيسر الخدين للمغرب
فالجدي في الأربعة المؤخرة/علامة حال الصلاة مبصرة»^۲.

آقای حکیم در ادامه به سراغ تعیین قبله بواسطه خورشید و کواکب و ستارگان رفته که لازم نیست این مباحث را مطرح کنیم و بعد به سراغ محرابی که معصوم در آن نماز خوانده رفته و همچنین قبور معصومین علیهم السلام و قبله بلاد اسلامی را به عنوان راههایی برای به دست آوردن قبله ذکر کرده.

آیت الله حسن زاده آملی کتابی در معرفت وقت و قبله دارد که کتاب بسیار خوبی است ایشان با قواعد علمی و بسیار دقیق قبله را شناسایی می کند، مثلا در مورد قم می فرماید قبر شریف حضرت معصومه سلام الله علیها و چند تن از خواهرهای حضرت که در جوار ایشان مدفون هستند با قبله مطابقت دارند ولیکن در صحن نو قبر قطب راوندی با قبور شریف آنها هماهنگی ندارد و بعد ایشان به سراغ امام زاده ها رفته و می فرماید در شهر ما آمل یک امام زاده ای هست که گنبد و بارگاهش با قبله همخوانی ندارد و ما نیز چند بار به مسئولین آنجا تذکر داده ایم علی آئی حال ایشان در کتابش بحثهای خوبی درباره قبله دارد که مراجعه و مطالعه بفرمائید.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله
علی محمد و آله الطاهیرین

^۲ الدرّة النجفیة، سید بحرالعلوم، ص ۹۲.